

دوگانه گرایی

آنگونه که زرتشت به جهان نموده

بخش دوم

بینش مذاهب توحیدی (یهود - مسیح - اسلام)

در آفرینش و منشاء خیر و شر

دکتر برزو نجمی

دیانت اسلام و یهود، دو دیانت کاملاً شریعتی و قانونگذار هستند ولی مسیحیت دارای عناصر درون گرائی است ولی بن مایه هر سه مذاهب در اصل شباهت زیادی دارند.

۱ - مذهب یهود: (بطور بسیار فشرده و خلاصه)، مذهب یهود، مذهبی است کبالاتی که معتقد به جدائی خالق و خلقت است. یا بهتر گفته شود، خلقت این جهان مادی از نیستی صورت می گیرد. از این جهت خداوند در جهان خویش بسر میبرد و از جهان مادی جداست و پاکی او در رابطه با مادیت که حاوی شر است مخدوش می گردد. تورات اصولاً به خداوند نیستی ایمان دارد و کبالا نیز آنرا کاملاً می پذیرد. سوالی که همیشه افکار انسان را بخود مشغول داشته است این بوده که چگونه ممکنست خداوند نیستی، جهان هستی را بیآفریند و از او ذاتاً جدا باشد؟ . انسان کبالاتی، مانند همه باطنی گرایان کوشش می کند که با روح خداوند ارتباط یابد و اوست که در ترکیب عشق، ترس و حقیقت رابطه خویش را با خداوند نزدیکتر میسازد. آنچه آرزوی

ایران زمین

کبالیست است ، درک الهام خداست و نه شناسائی او و در نتیجه پیوند وحدت وجودی با وی، زیرا کبالیست به جدائی کامل آفریدگار و آفریده شده (خالق و مخلوق) ایمان دارد. باید در نظر داشت که کبالا، به عنوان اولین جوانه کوشش درون گرائی مذهبی در سه ادیان ابراهیمی، قدمی با ارزش، در حدیکه در فهم معنوی خود از مفهوم خدا داشت برداشت و کوشید تا چشم انداز انسانی تری از خداوند عهد عتیق (یهوه - خدای مگار و منتقم - کینه جو و . . . و خداوند خیر و شر) بدست دهد، اما با توجه به بنیان های فلسفی - مذهبی خود، یعنی ایمان و اعتقاد به خدای خالق، ایمان به خلق هستی از نیستی ، ایمان به جدائی ذاتی و دائمی خداوند از کاینات و از انسان و ایمان به نظریه داد الهی، باید محدود به مرزی باشد که شریعت یهود آنرا تجویز کرده است. با توجه باین نکات، کبالا نه عرفان است و نه عرفانی، نه گنوستیک است و نه تصوّف بلکه نوعی درون گرائی ویژه یهود است.

۲ - مسیحیت: اعتقادات مسیحیت بر مبنای گنوسیس نهاده شده، گنوسیس در حدود قرن اول تا سوم میلادی توسط تعدادی از یهودیان ناراضی به یهودیت درست شد. آنها از دین یهودی خود خارج شدند و دین نوظهوری را بوجود آوردند که پایه و اساس آن ایمان شدید به مسیح بوده که از ابتدا به شدت ضد یهودی، به ویژه ضد یهوه بوده. بنیان گنوسیس از قرار زیر است:

خداوند مهربان جهان مُثلی (ذات الهی - ارواح صور نوعیه جسمانیه - اصنام صور نوریه) را در اثر انقباض ذات الهی پدید آورده . او در بارگاه خویشتن و دور از دسترس انسانهاست و با جهان مادی به کلی بیگانه است. در نزد اوست که پسرش (کلام یا عیسی مسیح) به سر میبرد. جهان مادی آفریده خداوند مهربان نیست، بلکه آفرینش آن توسط خداوند بدی و شر یا دمی ارژ صورت

ایران زمین

گرفته است . خداوند مهربان غیر قابل نامیدن و درک است و بالاتر از تمام مقولات کلی و جزئی است. او بی نام ، مخفی، اسرار آمیز و مقدس است و توسط اندیشه انسان شناخته نمیشود.

راه های دسترسی باو امکان پذیر نیست و هستی هیچگونه پیوندی با او ندارد. او نیستی است و در نیستی بسر میبرد و اما سلطان نور پاک است، وجودش عشق جاودان و پاک است . بدی و شر در ذات وی راه ندارد، زیرا این صفات مخصوص جهانیان است. (ثنویت کامل).

برخی از فرقه های گنوستیک ذات خداوندی را مرکب از سه گانگی (ثلیت) که حاوی روح، اندیشه و کلام است میدانند و اما او در نهاد یگانه است. فرزند او یعنی کلام (مسیح) توسط او آفریده شده است . فیلولی اسکندری از فرزند او به نام خدای دوم یاد می کند (عیسی مسیح) ، زیرا تنها اوست که رابط بین خدای مهربان و انسان است. غیر از این مورد، خداوند رابطه ای با انسان نداشته و ندارد و از اساس ناشناختنی است. گنوسیس نیز به خدای دیگری اعتقاد دارد که خالق جهان مادی است و بر آن هم چنان حکم میراند (دمی آرژ).

دمی ارژ کیست و از کجا میآید؟ . طبق نوشته های انجیل، دمی ارژ، زمانی اولین فرشته حامل نور خداوندی بوده (خدای مهربان). نام این فرشته لوسیفر است که به معنای حامل نور خداوندی است. در زمان حاضر یکی از مهمترین القاب شیطان است، (فرقه های شیطان پرست، شیطان را به همین نام پرستش می کنند). اما نام اصلی او ساتانل (در زبان عبری، شیطان در قرآن یا زبان عربی و ستن در زبان انگلیسی است). واژه دمی ارژ اصلاً یونانی است و معنای پیشه ور و صنعت کار است، دمی ارژ قدرت حکومت را در جهان

ایران زمین

مادی در دست دارد.

چگونه این امر اتفاق افتاد و دمی ارژ بوجود آمد؟ گنوستیک ها مانند ادیان سامی دیگر معتقد بودند که در زمان اتفاقی در جهان، نور آن سوی حجاب منجر به امر هبوط گردید. هبوط یعنی سقوط و راندن دمی ارژ و تعدادی از فرشتگان و سپس انسان که در اُسطوره شناسی مذهب، از عهد عتیق سرچشمه میگیرد. عیسی خود گفته است: من شیطان را دیدم که چون برق از آسمان می افتد (کتاب انجیل لوقا - چاپ پارسی ۱۹۸۲ باب ۱۵، زیور ۱۸). و در جای دیگر میگوید: "حالا رئیس این جهان بیرون افکنده میشود (انجیل یوحنا چاپ پارسی ۱۹۸۲، باب ۱۲، زیور ۱۳).

و از قول او گفته میشود، "خدای این جهان فهم های بی ایمان شان را کور کرده که مبادا تجلی بشارت مسیح که صورت خداست، رایشان را روشن سازد" (رساله دوّم پال به قرنطیان، کتاب مقدّس، چاپ پارسی ۱۹۸۲، باب ۴، شماره ۴). ملاحظه میشود که عناوین "رئیس این جهان"، "خدای این جهان" و غیره که بکرات از آنها استفاده شده خطاب به موجودی است که غیر از خداوند مهربان است.

در کتاب مقدّس به شیطان یا دمی ارژ، عناوین مار تهمت زننده یا واژه ابلیس عربی که برگردان این واژه یونانی است، رهبر شیاطین ذات بدی یا شر و بدی داده شده و صریحاً یاد آوری میشود که هدف دمی ارژ، بردگی انسان ها، بدنهاد کردن ذاتی آنها و نابودی خیر و خوبی است. گنوستیک های اولیه دمی ارژ را با خداوند عهد عتیق یعنی یهوه یکی میدانستند و می گفتند که یهوه یعنی خداوند این جهان ذاتی غیر از خداوند مهربان دارد. از اظهارات صریح عیسی مسیح در اناجیل چهارگانه مشخصاً میتوان فهمید که وی بوجود

ایران زمین

خدای این جهان قائل بوده است و از طریق برابر نهادن وی با شیطان آنرا مشخص تر ساخته و در مواعظ و مباحث خویش بویژه در صحنه مشهور به معبد یهودی های اورشلیم او را دقیقاً با یهوه برابر شمرده است.

گنوسیسیس با طرح این نظریه که انسان در ذات خود به جهان نور خداوند مهربان تعلق دارد، اما زندگی تحت سلطه دمی ارژ او را در زندان این جهان در بند نگاه داشته است، نظریه نوینی را شالوده ریخت.

گنوسیسیس (در اصل یونانی و به معنای دانش و معرفت است). تنها راه رهایی از زندان خاک بوده، زیرا جسم انسان در اختیار دمی ارژ است و راه فرار ندارد، اما روان انسان دارای منشاء نورانی است و قادر به دریافت پیام از سوی مسیح است. انسان از دو طریق مختلف، ریاضت کشی و یا از طریق سوء استفاده آگاهانه از امکانات جهان مادی به سلامت روح میپردازد. آغاز رستگاری برای او، اعراض باطنی از مادیت جهان است و تنها از طریق عشق به عیسی میسر است. جهان گنوستیکی در واقع ثنوی کامل است و هستی دو پاره گردیده است. یکی هستی نورانی پدر مهربان و دیگری هستی مادی (دمی ارژ یا شیطان) است. انسان که در جهان تنهاست، در اسارت دمی ارژ بسر میبرد و می تواند بشرط آنکه مستعد باشد با عشق ورزیدن به مسیح رستگار شود.

جهان گنوستیکی شبیه بزندانی است که انسانها در آن گرفتار و از اصل خود بدور افتاده اند و در بیگانگی بسر میبرند بدون آنکه خود بدانند. با توجه بنکات فوق، گنوسیسیس مذهب دو یا بهتر بگوئیم سه خدائی است اول خدای نیستی که صرفاً در نیستی بسر میبرد و غیر قابل شناسائی و غیر قابل نامیدن است و دوم خدای قهار که ما را در این غربت و در این زندان و دنیا

ایران زمین

به بردگی واداشته است و از راه فریب و ادامه زاد و ولد هم چنان در این جایگاه نگاه میدارد، سومی پسر اوست (عیسی مسیح).

گنوسیسی چه مستقیماً و چه از طریق مسیحیت در اسلام نیز تأثیر نهاده است که پیامبر اسلام در سفرهای خود و مباحثه با افراد مختلف آموخته است. موضوع شبیه و ظاهر که در باره مسیح در قرآن بکار برده است نمایانگر یکی از این تاثیرات است. (۱) (نفی به صلیب کشیده شدن عیسی در قرآن).

گنوسیسی اسلامی عمدتاً مسئله جدائی و بازگشت به اصل را در بر می گیرد و درست از این چشم انداز است که تصوف اسلامی از گنوسیسی تأثیر گرفته است. نباید از نظر دور داشت که درک هستی خدای مهربان ، برای گنوستیک در هرحال و مقامی دست نیافتنی است و تنها میتوان جهان باطنی را تصفیه کرد و اشراق داد. از همین رو نظام اخلاقی و حیات اجتماعی برای گنوستیک بی اهمیت است . این پیام بوده که توسط پیروان مانی و کاتارها بدوردست ترین نقاط جهان و از جمله چین و ترکستان برده شد.

با پژوهش بیشتر میتوان دریافت که فلسفه گنوستیکی، حقیقتی مثالی و معنوی است، زیرا نه منطقی، نه خردگرا و نه حتی قابل تصوّر است. آنچه گنوسیسی بدان ایمان دارد از ریشه محال است. بنابر این زندگی و هستی در مجموعه خود، به نوعی پوچیگری میماند که در منجلاّب این جهان تحت سیطره دمی آرژ فرو رفته و همچنان فرومانده خواهد بود.

در حاشیه این این نوشتار لازم است یادآوری شود که انجیل توماس جزو اناجیل رسمی کلیسای مسیحی نیست، امّا از منابع بسیار مهم گنوسیسی به شمار میآید ستون این مآخذ مهم در کاوش منطقه ای موسوم به "نجم جمادی" در

ایران زمین

مصر در اثنای جنگ دوّم جهانی کشف گردید که همگی بر پاپیروس نوشته شده و در خمره های متعدد زیرشن مدفون بودند. زبان این نوشته ها قبطی باستان است و اغلب آن باقیمانده است. منابع "تجمع جمادی" تصورات کلیسائی رسمی در مورد ظهور عسیس مسیح و مرگ او را تا حدود فراوان در هم ریخت و دریچه نوینی را برای شناسائی مسیحیت گشود که واتیکان و کلیسای رسمی قرنها بسته و مخفی نگاه داشته بود. (۲)

۳ - اسلام : توحیدِ اسلامی به معنی ایمان و واحد و بی همتا بودن الله است و نه اعتقاد به وحدت در هستی زیرا ایمان به واحد بودن الله خود ردّ قاطع یگانه بودن هستی شناسانه و وحدت وجودی انسان و ذات هستی است. یا بهتر بگوئیم ، باطنیت اسلامی یا تصوف، ضمن قبول و ایمان وحدت الهی، آمیزه ای به نام وحدت وجود تصوف را عرضه میدارد که ترکیبی است از هردو یا بطور کامل تر، ایمان به وحی الهی و عقیده به وحدت در وجود هستی که آمیزه ای است که در اساس دچار نقص و مبهم گوئی است .

نتیجه گیری

چند بازی عشق با نقش سَبُو؟ بگذر از نقش سبو و آب جو (یعنی نقش و نگار سبو را رها کن و در آب حیات بخش سبو نظر کن)

این صدف های قوالب در جهان گرچه جمله زنده اند از بحر جان
لیک اندر هر صدف نبود گُهر چشم بگشا در دل هریک نگر (مولوی)
از اینکه گفته اند یا میگویند، نیکی و بدی در دیانت زرتشت دو آفریدگار دارد سخنی است بس نادرست و نابخردانه . "مزدا اهورا" آفریدگار هستی است، سرچشمه نیکی است و نیکی همان آفرینش است. نیکی و بدی در زندگی

ایران زمین

انسانها هست ولی وابسته "باهورا مزدا" نیست و آفریده شده خرد انسان و انتخاب آزاد او میباشد (شهر روشن زرتشت، دکتر حسین وحیدی ، ص ۱۸۵). بیشتر از هزاران سال است که در باره جنگ اهرمن و اورمزد سخن گفته شده و خدای نیکی ها و خالق بدی ها را بدین زرتشت نسبت داده اند. نویسندگان شرقی و غربی و نه پژوهشگران راستین نیز تحت تأثیر همین تبلیغ و نادرستی چندین هزارساله آنرا پذیرفته اند.

باید آموخت که ثنویت (دوگانه پرستی یا دوگانه گرایی) منشأ زروانی دارد که در دین انحرافی که بنام زرتشت و توسط درباریان ساسانی اختراع شد، شکل گرفت و طی قرون و اعصار حتی به متفکرین زرتشتی نیز تلقین شد. موضوع دروغین و بی پایه دیگری که بدین زرتشت نسبت داده میشود و حتی اخیراً توسط نویسندگان باصطلاح روشنفکری در کیهان چاپ لندن دیدیم (البته بآن جواب خواهم داد) جنگ بین نور و تاریکی خوبی یا بدی با اهورامزدا و انگره مینیواست که کاملاً مبدا و منشأ مانوی دارد (مانی و دین او - تألیف زنده یاد تقی زاده - چاپ ایران).

نویسندگان و پژوهشگران باید بدانند که ۱- از راه بررسی پیورزانه (متعصبانه و قشری) دانشمندان بیگانه نمیتوان اوستا و بویژه گاتها را بررسی کرد ۲- به شناسائی زرتشت در سیر اندیشه های ایرانی نباید فقط جنبه دینی داد، زیرا زرتشت پیش از هرچیز یک دانشمند و فیلسوف است . ۳- خرافات در گاتها زرتشت بچشم نمیخورد و تحمیل دین و عقیده یک پندار غیر ایرانی است. ۴ - اصول فکری ، فلسفی گاتها، اصول کلی و جهانی است که شامل آزاد اندیشی و گزینش راه و روش و به پیروی از خرد یکی از آموزش های اولیه زرتشت است . ۵- درک و اندیشه های راستین زرتشت را باید بزبان و خط

ایران زمین

اصلی اوستائی بررسی نمود.

زرتشت، زرتشت است، نه رسول الله است، نه کلیم الله و نه پسر خدا
زمان پیدایش و وفاتش با نام هائی که پیروانش باو داده و میدهند نه به ارج
و منزلت والای معنویت و روحانی اش میافزاید و نه چیزی میکاهد. آن گفته
های بی نظیر و تراوشات خردگرائی مغزی اوست که عاری از قصه گوئی تاریخ
نویسی و مسائل متافیزیکی است و پس از ۳۸۰۰ سال هنوز تازه، ناب و
جهانگیر است که میتواند بطور درسته و بکار گرفتن آنها، انسان قرن ۲۱ را
از دروغگوئی، کژاندیشی و کژ رفتاری برهاند. همانطوریکه همگان میدانند. در
حدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ کتاب، اندرنامه، مقاله و غیره موجود است که همگی
شوربختانه دانسته یاندانسته در ردیف کتاب زرتشتیان بحساب آورده شده است.
اگرچه دانشمندان و نویسندگان باین واقعیت آگاه شده و کمتر از آنها برای
بررسی و یا پژوهش دین زرتشت استفاده می کنند ولی گاهگاهی دیده میشود
که استادان زبان باستانی ایران مخصوصاً در اروپا و آمریکا، جهت نوشتن و
انتشار از آنها استفاده می کنند. لازم است باین افراد تذکر داده شود که این
کتاب ها و نوشته ها اغلب بعد از هجوم تازیان نگاشته شده و اگرچه پر از
مطالب بسیار خوب و آموزنده است ولی جزو کتاب مقدس زرتشتیان نمیباشند،
اینان بهتر است، بدین زرتشت و به متون اولیه و صاف آن که همان گات ها
است نظر بیافکنند که با اختراع کامپیوتر (واژه نگار)، عمر ردیه نویسی و کژ
رفتاری و کژ اندیشی بسر آمده است .

پیش از هجوم تازیان، چند نفر انگشت شماری در ایران ویج خود را پیامبر
نامیده اند که از مشهورترین آنها مزدک و مانی بوده اند . ولی بعد از
پیامبر اسلام (ص) تا بحال بیش از ۱۵۰ نفر ظهور کرده اند که ادعای نبوت

ایران زمین

و حتی الوهیت نموده اند. من، به علت محدود بودن صفحات از آنها ذکر نمی‌نموده‌ام و نوشته خود را به زرتشت و پیامبران ابراهیمی و نظریه‌شان بطور فشرده بیان نموده‌ام.

امیدوارم این نوشته را که نشان دهنده بی‌طرفی است، مشکل‌گشای و راهنمای خوانندگان عزیز قرار گیرد و من این نوشته را بنام آزادگان چون موبد بُندار، موبد موبدان یزد خاتمه می‌دهم که او را بر سر حقیقت و عقیده‌اش بدو نیم کرده (با آره) ولی فرزندان و جانشینانش راه ایشان را ادامه دادند. درود بروان پاک در گذشتگان راه وطن و دین راستی.

ایدون باو

۱- طبق نظریه‌های پژوهشگران، اناجیل چهارگانه توسط افراد مختلف نوشته شده نه پیروان اولیه حضرت مسیح محتویات انجیل نیز کمتر از ۱٪ آن از گفته‌های مسیح است و بیشتر آن از روی نوشته‌های پال به قرنطیان تنظیم شده که در حدود یک قرن تا یک قرن بعد از مسیح بوده است.

۲ - قرآن می‌گوید، آنکه بدار کشیده شد عیسی مسیح نبود بلکه شخصی شبیه بظاهر او بوده.

۳ - یکی از مدعیان مهدویت غلام احمد قادیانی است که در سال ۱۲۱۱ خورشیدی در قادیان هند متولد شده و مدعی مهدویت بوده، او بر خلاف گفته قرآن که مبنای دعوت او است معتقد است که عیسی مرده و قبر او هم در کشمیر می‌باشد. او و مادرش از نظر عصمت مانند سایر پیامبران بوده‌اند و ادعا می‌کند که خود او صورت قبر مسیح را در کشمیر دیده است که ضریحی داشته و سجل احوال عیسی در پشت یکی از کتابها نوشته و مهر شده بوده است و چندین از مقلدین آنرا گواهی کرده بودند. (تاریخ جامع بهائیت - بهرام افراسیابی ۱۳۷۴ - تهران ص ۵۹).

۴ - اخیراً چندین کتاب راجع بمرگ مسیح بچاپ رسیده است که در لیست مأخذ ذکر میشود و خوانندگان را بخواندن آنها ترغیب می‌نمایم خلاصه آنها این است که حضرت عیسی را با رشوه دادن به افسر متصدی وادار کردند که بدون شکستن پاهایش و در حال بیهوشی پائین بی‌آورند. موقعیکه او را پائین آوردند (از بالای صلیب) به مقبره‌ای دور از دید همگانی منتقل نمودند و با سه روز درمان و پرستاری بهبودی حاصل نمود. او را بطور نهانی از آن محل بیرون بردند و بعد از استراحت و بهبودی کامل بسوریه و کشمیر مسافرت نمود. در سن ۸۰ سالگی در آنجا وفات یافت و آرامگاهش در سری‌نیگار پایتخت کشمیر می‌باشد که بنام مرقد حضرت عیسی موجود است.

ایران زمین

کوتاه شده مهمترین مأخذ استفاده شده

- ۱ - عرفان گنوستی سیزم - دوجلد - مهندس سید جلال الدین آشتیانی چاپ تهران
- ۲ - رازوری در آئین زرتشت ، شیوا کاویانی تهران
- ۳ - حکمت اشراق ، عرفان از زرتشت تا سهروردی هاشم رضی تهران
- ۴ - تحقیقی در دین یهود مهندس آشتیانی ، تهران
- ۵ - تحقیقی در دین مسیح مهندس آشتیانی تهران
- ۶ - اوستا دو جلد - دکتر جلیل دوستخواه تهران
- ۷ - تاریخ جامعیت بهائی - بهرام افراسیابی تهران
- ۹ - تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان - رشید شهمردان چاپ : ۱۳۶۰ تهران
